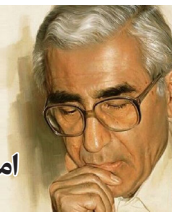


آفتاب حقوق

اولین هفته نامه حقوقی کشور

خاطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان



سه شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۳۹ (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

صفحه ۳

تأثیر تغییر کارکرد سیستم تجاری چندجانبه در اصلاحات سازمان تجارت جهانی

دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت مدیره کانون وکلای مرکز



دوازدهمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی (MC۱۲)، به عنوان بالاترین رکن این سازمان، پس از پنج سال وقفه به دلیل حضور ترامپ در کاخ سفید و کرونا با مشارکت وزرای بازرگانی ۱۰۰ کشور جهان در ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ (۱۲ ژوئن ۲۰۲۲) به ریاست قزاقستان در ژنو تشکیل شد. در این اجلاس که در آن پنج روز مذاکرات نفس گیر میان اعضا صورت گرفت، توافقهایی قابل توجهی حاصل شد. از آنجاکه مکانیسم تصمیم گیری در سازمان تجارت جهانی (WTO)، به نوعی اجماعی است، مذاکرات به درازا می انجامد. در این اجلاس نیز مخالفت های هند با برخی بندهای توافق مذاکرات را ۲ روز پیش از زمان تعیین شده، تداوم بخشید. پس از این کنفرانس، نماینده تجاری ایالات متحده (USTR)، کاترین تان، اخیراً در سخنرانی مهمی، رویکرد ایالات متحده به تجارت جهانی و نیز سازمان تجارت جهانی را تشریح کرد. کارشناسان تجارت جهانی می گویند تجربه کاترین تان با توان و دانش بالای حقوقی و تجاری، یک دهه کار در زمینه مسائل تجاری چین و با موفقیت در دادخواهی اختلافات تجاری با چین بی نظیر است. او از نزدیک چالش سیستم تجارت جهانی ناشی از چین و همچنین نقاط قوت و ضعف سازمان تجارت جهانی را به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ایالات متحده درک می کند. تجربه تان نشان می دهد که او می تواند یک ائتلاف تجاری بین المللی علیه چین ایجاد کند. نکات کلیدی این سخنرانی کاترین تان؛ با توجه به اهمیت جایگاه آمریکا در نظام تجارت جهانی، ارائه می تواند در شناخت روند تحول در این حوزه کمک کند.

مهم ترین محورهای این سخنرانی نماینده تجاری آمریکا از این قرار بود که:

(۱) تعهد ایالات متحده به انجام اصلاحات در سازمان تجارت جهانی؛ او بر تعهد دولت آمریکا به اصلاح سازمان تجارت جهانی تأکید داشت.

(۲) ضرورت انطباق سازمان تجارت جهانی با چالش های کنونی؛ سازمان تجارت جهانی باید برای مقابله با چالش های معاصر، از جمله تغییرات آب و هوایی و سیاست های اقتصادی غیر بازاری، سازگاری یابد.

(۳) تأکید بر قوانین پویا در سازمان تجارت جهانی؛ وی بر وجود قوانین پویا در سازمان تجارت جهانی تأکید و اذعان کرد که در این سازمان قوانین هرگز ثابت نبوده اند. لذا در قالب تعهد

به سازمان تجارت جهانی، انجام اصلاحات اساسی در این سازمان از ضروریات است. (۴) برخورداری سازمان تجارت جهانی از حمایت ریاست جمهوری ایالات متحده؛ بایدن در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خواستار انجام اصلاحات در سازمان تجارت جهانی شد که نشان دهنده



تعهد ایالات متحده به این سازمان است. (۵) تأکید بر ارزش های مشترک جهانی؛ مشاور امنیت ملی آمریکا، جیک سالیوان، بر اهمیت ارزش های مشترک مانند رقابت منصفانه، باز بودن، شفافیت و حاکمیت قانون در سازمان تجارت جهانی تأکید کرده است. (۶) همکاری ایالات متحده با مدیرکل سازمان تجارت جهانی؛ نماینده آمریکا، همکاری با دبیر کل سازمان تجارت جهانی را به منظور احیای این سازمان و افزایش ظرفیت آن به منظور مواجهه با چالش های معاصر، مورد تأکید قرار داد. (۷) تأکید بر اهداف و ارزش های بنیادی؛ ایالات متحده همواره در طول تاریخ از نظم مبتنی بر قوانین بین المللی و سیستم تجاری چندجانبه با تمرکز بر باز بودن، شفافیت و رقابت بازار محور دفاع کرده است. (۸) پرداختن به چالش های مدرن؛ وقوع چالش هایی مانند تغییرات تکنولوژیکی، رویدادهای آب و هوایی، آسیب پذیری های زنجیره تأمین، تنش های ژئوپلیتیکی، نابرابری و ناامنای غذایی، انجام اصلاحات در سازمان تجارت جهانی را ضروری ساخته است. (۹) تحولات جدید در تجارت؛ ایالات متحده مسائلی از جمله ترویج رقابت منصفانه، رسیدگی به تغییرات آب و هوایی، ارتقای امنیت ملی و اطمینان از اینکه سیستم مبتنی بر قوانین به نفع تمامی اقتصادها از جمله اقتصادهای کوچک تر است را جزء اهداف خود مطرح کرده است.

کاترین تان پیش تر نیز در نشستی در موسسه مطالعات راهبردی و بین المللی از سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین رونمایی کرده و چند نکته را مورد تأکید قرار داده بود. از منظر وی در دوره پس از الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، ایالات متحده استراتژی دوجبهی را در حوزه اقتصاد و تجارت در قبال چین شکل داد و در طی دوره سه رئیس جمهور به این سیاست پایبند ماند. نخستین وجه این استراتژی، گفت و گوی منظم و سطح بالا با چین باهدف بررسی اجرای تعهدات این کشور به سازمان تجارت جهانی و تشویق آن به پیش برد اصلاحات بازار محور بود. دومین وجه استراتژی، حل اختلافات با چین در قالب رکن استیناف سازمان تجارت جهانی بود که در این قالب ایالات متحده ۲۷ اختلاف با چین را به این سازمان سپرد و این سازمان در مورد آن ها رأی داد. نکته مهمی که نماینده تجاری ایالات متحده بر آن تأکید می کند اینکه این استراتژی دوجبهی به شدت ناکارآمد شده است؛ زیرا از یک سو نظارت بر اجرای تعهدات چین در قبال سازمان تجارت جهانی به شدت دشوار شده و از طرف دیگر حل اختلافات بنیادین اقتصادی و تجاری با چین در چارچوب سازمان تجارت جهانی ممکن نیست. از منظر وی ایالات متحده در دوره ترامپ در مورد ضرورت تغییر پارادایمی در سیاست تجاری در قبال چین به جمع بندی رسید. به دیگر سخن نوعی جمع بندی دوحزبی در ایالات متحده شکل گرفت که دیالوگ سطح بالای تجاری و اقتصادی با چین و سپردن اختلافات به سازمان تجارت

جهانی منافع ایالات متحده و منافع نظام تجارت چندجانبه را تأمین نمی کند و باید راه جدیدی را در پیش گرفت. از همین رو از منظر وی دولت ترامپ سازمان تجارت جهانی را به کناری نهاد و به صورت یک جانبه بر اعمال تعرفه بر چین و محدودیت تجارت با این کشور تمرکز کرد.

صفحه ۲

سرمقاله

تعليق مجازات چيست و شرايط اجراي آن...



لیلا آزرین پارسیا
وکیل پایه یک دادگستری

تعليق مجازات عبارت از این است که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم عليه با شرايط خاصی معلق شود. بر این اساس، اجرای مجازات مذکور دادگاه صادر کننده حکم در دادنامه را با توجه به شرايطی و برای مدتی معین و به منظور اصلاح و تربیت مجرم به تاخیر می اندازد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانونگذار مواد ۴۶ تا ۵۴ را به تعليق اجرای مجازات اختصاص داده است...

نادداشت ۱

عقود و تعهدات قراردادی



حمیدرضا به گذر
حقوقدان

برخی از بزرگان علم حقوق برای شرط از جهات مختلف معانی متفاوت را بیان کرده اند. چنانچه شرط را در مفهوم امری محتمل الوقوع در آینده دانسته اند که طرفین عقد یا شخص ایقاع کننده، حدوث اثر حقوق عقد یا ایقاع را متوقف بر حدوث آن امر محتمل الوقوع می کنند نیز آن را وصفی دانسته اند که یکی از طرفین عقد وجود آن را در مورد معامله...

نادداشت ۲

ممنوعیت اخذ عوارض فضای سبز



سید بهادر بهادری
کارشناس حقوق

در برخی موارد مشاهده می شود شهرداری ها به بهانه حفظ و تأمین فضای سبز در هنگام صدور پروانه ساختمانی و همچنین بعد از صدور رأی کمیسیون ماده صد برای اراضی با کاربری های مختلف اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی، اداری مالکین یا متقاضیان صدور پروانه را مکلف می کنند عوارض فضای سبز پرداخت کنند این در حالیست...

صفحه ۳

نادداشت ۳

مطالبه خسارت ناشی از صدور ضمانت بانکی خارج از...



آتنا انوری
وکیل پایه یک دادگستری

پرسش: چنان چه رئیس بانک ضمانت نامه بانکی خارج از حدود اختیارات خود صادر کند، در خصوص خسارات وارده، متضرر به چه کسی باید مراجعه کند؟

پاسخ: برابرقانون مسئولیت مدنی بانک در صورتی موظف به جبران خسارات اشخاص است که نقص امور اداری و ...

صفحه ۲

احتکار عبارتست از نگهداری کالا به صورت عمدۀ با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه‌ی آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت. تعزیرات احتکار مطابق ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی بشرح زیر می‌باشد:

مرتبه‌ی اول- الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش کالا.

مرتبه‌ی دوم- فروش کالا، توسط دولت و اخذ جریمه از بیست تا صد درصد ارزش کالا؛



تأثیر تغییر کارکرد سیستم تجاری چندجانبه در اصلاحات سازمان تجارت جهانی

مؤثر با تغییرات آب و هوایی و همه‌گیری‌های آینده تمرکز کند. (۸) کتاب ایده‌هایی در مورد چگونگی کارآمد نمودن سازمان تجارت جهانی در راستای پاسخگویی به نیازهای جهانی ارائه می‌دهد. (۹) قواعد سازمان تجارت جهانی باید برای رفع بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی بشریت به‌روز شود. (۱۰) کتاب توصیه می‌کند که رهبران جهان باید بر نقش تجارت بین‌المللی در نیل به جهانی بهتر تمرکز کنند. سیزدهمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی (MC۱۳) قرار است از ۲۶ تا ۲۹ فوریه ۲۰۲۴ (۷ تا ۱۰ اسفند ۱۴۰۲) در ابوظبی/امارات متحده عربی برای بررسی تأثیر تغییر کارکرد سیستم تجاری چندجانبه (Multilateral Trading System) و اقدام در مورد اصلاحات و آینده کاری سازمان تجارت جهانی برگزار شود. نماینده تجاری ایالات متحده؛ کاترین تای، سه اولویت اصلاحات آمریکایی سازمان تجارت جهانی را این‌گونه تشریح کرده است: (۱) افزایش شفافیت؛ (۲) انجام مذاکره به‌منظور تدوین قوانین جدید جهت مقابله با چالش‌های نوظهور و (۳) اصلاح روند حل‌وفصل اختلافات به‌منظور اطمینان از رعایت اصل انصاف در مراودات.

یافته‌های کلیدی کتاب را به‌صورت ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد: (۱) سیستم تجارت جهانی فعلی تحت رهبری ایالات متحده، روبه‌زوال است. بزرگ‌ترین بازیگران از قواعد این نظام تبعیت نمی‌کنند. (۲) سیستم تجارت جهانی موجود نه‌تنها به دلیل رقابت ژئوپلیتیکی، بلکه به دلیل اینکه پاسخی به بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی تجارت جهانی ارائه نمی‌کند، در معرض زوال است. (۳) کشورها به‌طور فزاینده‌ای به بدیل‌های سازمان تجارت جهانی همچون موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای برای مذاکره در مورد توافق‌نامه‌های تجاری متکی می‌شوند. (۴) سازمان تجارت جهانی باید حل‌وفصل الزام‌آور اختلافات را احیا نموده، قاعده‌سازی و مذاکرات تجاری چندجانبه و وظایف اجرایی دبیرخانه را تقویت کند. (۵) سازمان تجارت جهانی باید به چالش‌های ناشی از اقتصاد دیجیتال رسیدگی کند. (۶) افزون بر آن، کتاب به تشریح حوزه‌های موضوعی تحت قوانین سیستم تجارت جهانی، از جمله کشاورزی، خدمات، تجارت الکترونیک و موارد دیگر می‌پردازد. (۷) کتاب توصیه می‌کند که سازمان تجارت جهانی باید بر اقداماتی برای مبارزه

ادامه از صفحه اول:

نهایتاً کنش‌های دولت ترامپ و اکنش‌های چین به توافق تجاری محدودی میان دو کشور موسوم به فاز اول توافق تجاری منتهی شد، توافقی که تعهدات محدودی برای دو طرف ایجاد می‌کند و عملکرد چین در قبال آن از منظر وی کامل نبوده است. از منظر نماینده تجاری ایالات متحده، دولت بایدن در پاسخ به چالش چین به‌صورت کلی رویکرد ترامپ را تداوم خواهد بخشید و همچنان محدودیت‌ها و فشارها بر چین را تداوم می‌دهد. تعرفه‌هایی که بر حدود ۷۰ درصد از صادرات چین به ایالات متحده اعمال شده همچنان باقی خواهد ماند؛ اما برخی کالاهای خاص ممکن است از شمول تعرفه خارج شوند. از منظر وی حفظ منافع نیروی کار و در سطح کلانتر طبقه متوسط ایالات متحده در کانون سیاست تجاری این کشور قرار دارد و این دولت خواهد کوشید تا مانع از ضربه زدن بیشتر چین به طبقه متوسط و کارگری ایالات متحده شود. ایالات متحده خواهد کوشید تا موقعیت خود به‌عنوان کانون فناوری‌های پیشرفته و اختراعات و ابتکارات را تداوم بخشد و مزیت رقابتی خود را در این حوزه حفظ کند. در سطح بین‌المللی کانون استراتژی تجاری ایالات متحده همکاری تنگاتنگ و هماهنگی با متحدان برای بازطراحی نظام تجارت چندجانبه، باز و آزاد و منصفانه خواهد بود.

در همین رابطه، کتاب احیای نظام تجارت جهانی (Revitalizing the World Trading System)؛ که به‌تازگی (۲۰۲۳) توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده، چالش‌های عمیق نظام موجود را مورد بحث قرار داده و ایده‌هایی برای بازسازی نظم تجارت جهانی ارائه می‌کند.

قانون روابط موجر و مستاجر، مشتمل بر ۱۳ ماده است. قانون روابط موجر و مستاجر در ۲ فصل به بیان مقررات مربوط به اجاره‌بها و پرداخت آن، تنظیم اجاره‌نامه، موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستاجره، حق کسب یا پیشه یا تجارت و مقررات مربوط به تعمیرات می‌پردازد.

روابط موجر و مستاجر

ماده ۱ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاه‌های دانشجویی و ساختمان‌های دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد می‌شود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستاجر خواهد بود.

ماده ۲ - قراردادهای عادی اجاره باید با قید مدت اجاره در دو نسخه تنظیم شود و به امضای موجر و مستاجر برسد و به وسیله دو نفر افراد مورد اعتماد طرفین به عنوان شهود گواهی گردد.

ماده ۳ - پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قایم مقام قانونی وی تخلیه عین مستاجره در اجاره با سند رسمی توسط دوایر اجرای ثبت ظرف یک هفته و در اجاره با سند عادی ظرف یک هفته پس از تقدیم تقاضای تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطین قوه قضاییه انجام خواهد گرفت.

ماده ۴ - در صورتی که موجر مبلغی بعنوان ودیعه یا تضمین یا قرض الحسنه و یا سند تعهدآور و مشابه آن از مستاجر دریافت کرده باشد تخلیه و تحویل مورد اجاره به موجر موکول به استرداد سند یا وجه مذکور به مستاجر و یا سپردن آن به دایره اجراست. چنانچه موجر مدعی ورود خسارت به عین مستاجره از ناحیه مستاجر و یا عدم پرداخت مال الاجاره یا بدهی بابت قبوض تلفن، آب، برق و گاز مصرفی بوده و متقاضی جبران خسارات وارده و یا پرداخت بدهی‌های فوق از محل وجوه یاد شده باشد موظف است همزمان با تودیع وجه یا سند، گواهی

پرسش: چنان چه رئیس بانک ضمانت‌نامه بانکی خارج از حدود اختیارات خود صادر کند، در خصوص خسارات وارده، متضرر به چه کسی باید مراجعه کند؟
پاسخ: برابر قانون مسئولیت مدنی بانک در صورتی موظف به جبران خسارات اشخاص است که نقص امور اداری و تشکیلاتی علت



آتینا انوری
وکیل پایه یک دادگستری

قانون روابط موجر و مستاجر + اصلاحات و الحاقات

می‌تواند از موجر و یا مستاجر دیگر مبلغی بعنوان سرقفلی برای اسقاط حقوق خود دریافت نماید.

ماده ۸ - هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود که مالک عین مستاجره را به غیر مستاجر اجاره ندهد و هر ساله آنرا به اجاره متعارف به مستاجر متصرف واگذار نماید، مستاجر می‌تواند برای اسقاط حق خود و یا تخلیه محل مبلغی را به عنوان سرقفلی مطالبه و دریافت نماید.

ماده ۹ - چنانچه مدت اجاره به پایان برسد یا مستاجر سرقفلی به مالک نپرداخته باشد و یا اینکه مستاجر کلیه حقوق ضمن عقد را استیفاء کرده باشد هنگام تخلیه عین مستاجره حق دریافت سرقفلی نخواهد داشت.

ماده ۱۰ - در مواردی که طبق این قانون دریافت سرقفلی مجاز می‌باشد هرگاه بین طرفین نسبت به میزان آن توافق حاصل نشود با نظر دادگاه تعیین خواهد شد

تبصره - مطالبه هرگونه وجهی خارج از مقررات فوق در روابط استیجاری ممنوع می‌باشد.

ماده ۱۱ - اماکنی که قبل از تصویب این قانون به اجاره داده شده از شمول این قانون مستثنی و حسب مورد مشمول مقررات حاکم بر آن خواهند بود.

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۳۹۰.۰۳.۳۱) - آئین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و راه و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۳ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر دو فصل و سیزده ماده سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و ششم مردادماه یک هزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۵/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

دفتر شعبه دادگاه صالح را مبنی بر تسلیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان به میزان مورد ادعا به دایره اجرا تحویل نماید. در این صورت دایره اجرا از تسلیم وجه یا سند به مستاجر به همان میزان خودداری و پس از صدور رای دادگاه و کسر مطالبات موجر اقدام به رد آن به مستاجر خواهد کرد.

ماده ۵ - چنانچه مستاجر در مورد مفاد قرارداد ارایه شده از سوی موجر مدعی هرگونه حقی باشد ضمن اجرای دستور تخلیه شکایت خود را به دادگاه صالح تقدیم و پس از اثبات حق مورد ادعا و نیز جبران خسارات وارده حکم مقتضی صادر می‌شود.

سرقفلی

ماده ۶ - هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستاجر دریافت نماید. همچنین مستاجر می‌تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود مبلغی را از موجر یا مستاجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت کند، مگر آنکه در ضمن عقد اجاره حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد.

تبصره ۱ - چنانچه مالک سرقفلی نگرفته باشد و مستاجر با دریافت سرقفلی ملک را به دیگری واگذار نماید پس از پایان مدت اجاره مستاجر اخیر حق مطالبه سرقفلی از مالک را ندارد.

تبصره ۲ - در صورتی که موجر به طریق صحیح شرعی سرقفلی را به مستاجر منتقل نماید، هنگام تخلیه مستاجر حق مطالبه سرقفلی به قیمت عادله روز را دارد.

ماده ۷ - هرگاه ضمن عقد اجاره شرط شود، تا زمانیکه عین مستاجره در تصرف مستاجر باشد مالک حق افزایش اجاره بها و تخلیه عین مستاجره را نداشته باشد و متعهد شود که هر ساله عین مستاجره را به همان مبلغ به او واگذار نماید در اینصورت مستاجر

منحصر به ورود زیان باشد، ولیکن این نظر به معنای معاف بودن بانک از نتایج نقص‌های اداری کارمندان خود نیست. مضافاً تشریفات راجع به انتخاب مدیران و حدود مسئولیت و اختیارات آنان در برابر شخص ثالث مؤثر نیست. در مواردی هم که به دلیل تقصیر شخصی مدیر و نقص اداری بانک از حیث عدم کنترل و نظارت در امور

مطالبه خسارت ناشی از صدور ضمانت بانکی خارج از حدود اختیارات

اداری، خسارتی به شخص ثالث وارد آید، هر دو در برابر زیان دیده مسئول خواهند بود، تعیین شخص یا مقامی که باید به زیان دیده خسارت بپردازد با او است. امکان رجوع بانک به کارمند خود برابر قانون مسئولیت مدنی نیز وجود دارد و تخلف کارمند نیز در هیات رسیدگی به تخلفات اداری هم قابل بررسی خواهد بود.

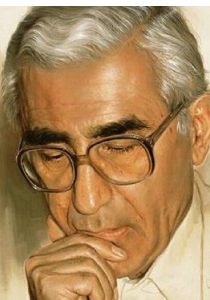
مرتبه‌ی سوم - فروش کالا توسط دولت، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا ششماه و نصب پارچه در محل واحد بعنوان محترک.

مرتبه‌ی چهارم - علاوه بر مجازات مرتبه‌ی سوم، لغو پروانه‌ی واحد و معرفی از طریق رسانه‌های گروهی به عنوان محترک.

تبصره - در صورتی که نگهداری کالا با اطلاع مراجع ذیصلاح باشد مشمول احتکار نیست.

خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصرکاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری»

۱۵

استاد به علت بیماری در بیمارستان بستری بود به عیادتش رفتم؛ چند لحظه‌ای گذشت ناگهان شخصی وارد اتاق شد و کنار تخت استاد نشست و گفت: من قاضی‌ام، وظیفه‌ام بود که به عیادت شما بیایم.

استاد نگاهی به او کرد و گفت: نصیحتی به تو می‌کنم، مردم را اذیت نکن! چرا آنها را بی‌پروا بازخواست و بازداشت می‌کنی؟ اگر دهها و صدها گناهکار از چنگال عدالت رها شوند به مراتب بهتر از آن است که شخصی بی‌گناه، یک ساعت در بند، نگهداری و زندانی شود.

آن قاضی، آشفته و گرفته شد و با تعجب گفت: از کجا فهمیدید؟ چه زود متوجه شدید؛ چون من عادت دارم همیشه افراد را احتیاطی بازداشت می‌کنم.

استاد فرمودند: در آینه نگاهی کن، اگر آدم درستی بودی، چهره‌ات این طور نمی‌شد. تو صورت گرفته‌ای داری. بدان که بازتاب اعمال و نیت هر شخص در چهره‌اش تأثیر می‌گذارد.

یادداشت حقوقی

ممنوعیت اخذ عوارض فضای سبز

در برخی موارد مشاهده می‌شود شهرداری‌ها به بهانه حفظ و تأمین فضای سبز در هنگام صدور پروانه ساختمانی و همچنین بعد از صدور رأی کمیسیون ماده صد برای اراضی با کاربری‌های مختلف اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی، اداری مالکین یا متقاضیان صدور پروانه را مکلف می‌کنند عوارض فضای سبز پرداخت کنند این در حالیست در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش بینی نشده است و در آرای مختلف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، وضع عوارض برای فضای سبز مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، لذا اخذ عوارض و بهای خدمات فضای سبز، خلاف قانون می‌باشد.



سید بهادر بهادری
کارشناس حقوق

می‌شود فلذا کارت عابر بانک دارای ارزش مالی بوده و ربودن آن، سرقت محسوب می‌گردد و همچنین در صورتی که کارت مذکور به شخص داده شود تا از آن وجه دریافت نماید، عمل شخصی که وجه را دریافت نموده منطبق با کلاهبرداری رایانه‌ای (ورود رمز در سامانه رایانه‌ای و بردن وجه) است و شخصی که کارت را به او رسانده معاونت در کلاهبرداری مرتبط با رایانه، انجام داده است.



ضرورت اخذ نظریه پزشکی قانونی در قصاص عضو

بر شاکی به متهم امکانپذیر است و اینکه خصوصاً چشمان شاکی تخلیه نگردیده لذا ضمن سقوط اجرای قصاص مستنداً به مواد ۴۴۸ - ۴۴۹ و ۵۸۷ و ۷۰۹ با لحاظ ماده ۴۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از لحاظ جنبه خصوصی بزه حکم بر محکومیت متهم مذکور به پرداخت الف - یک دیه کامل یک مرد مسلمان بابت نابینا شدن هر دو چشم شاکی ب - چهار صدم دیه کامل یک مرد مسلمان بابت جرح پلک فوقانی و پلک تحتانی چشم راست (دو دامیه) و ج - دو صدم دیه کامل یک مرد مسلمان بابت ارش پارگی کنال چشم راست و د - چهارده صدم دیه کامل یک مرد مسلمان بابت ارش پارگی شبکیه و عنبیه و عدسی چشم راست و چشم چپ در حق شاکی مذکور در فرجه یکسال پس از تاریخ ورود صدمه صادر و از لحاظ جنبه عمومی بزه نظر به اینکه عمل ارتكابی متهم موجب تجزیه مرتکب یا دیگران می‌گردد و موجب اخلاخ در نظم عمومی گردیده مستنداً به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ حکم بر محکومیت متهم مذکور به تحمل ۵ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشتی قبلی صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره پس از ابلاغ مورد فرجام خواهی شاکی آقای ع. ح. قرار گرفته و توضیح داده است که مستند به مدارک پزشکی چشم (فرجام خواه) نابینایی مطلق است. اگر قضات دیوان نظر کارشناسان پزشکی قانونی بگیرند امکان قصاص مرتکب هست و هیچگونه ضرری به فرجام خوانده غیر از نابینایی نداشته باشد و ... که پرونده بدیوانعالی کشور ارسال و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است. هیأت شعبه بتاريخ بالا تشکیل جلسه داده و پس از قرائت گزارش آقای محمد کرمی عضو ممیز و اوراق پرونده و اخذ نظریه کتبی جناب آقای کامران محمد ح.ی دادیار محترم دادرسی دیوانعالی کشور مبنی بر: با توجه به گزارش عضو محترم ممیز نظر به اینکه در مورد قصاص عضو نظر پزشکی قانونی ضرورت دارد تقاضای صدور رأی قانونی را دارم مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه دیوان عالی کشور

برای تشخیص امکان یا عدم امکان قصاص با توجه به نوع و محل اصابت و نیز تمیز امکان تساوی در اجرای قصاص، اخذ نظریه کارشناسان پزشکی قانونی ضرورت دارد. زیرا مبانی استدلال دادگاه محترم که اجرای قصاص را ساقط دانسته متکی به دلایل شرعی و قانونی نمی‌باشد؛ بنابراین فرجام خواهی شاکی را وارد و مصاد تشخیص، پرونده از حیث عدم اخذ نظریه پزشکی قانونی در مورد چگونگی و نحوه اجرای قصاص ناقص بوده و بترتیبی که دادگاه محترم مرقوم داشته اجتهاد در مقابل نص محسوب می‌شود. زیرا برخلاف مواد ۴۰۲ الی ۴۰۴ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. مضاف بر مراتب در مانحن فیه موضوع قصاص زوال بینایی (کور کردن) می‌باشد که بنظر می‌رسد موضوع تساوی با این عمل محقق می‌گردد و ورود آسیب‌های دیگری مطرح نمی‌باشد؛ لذا مستنداً به بند ۴ شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ دادنامه فرجام خواسته نقض و رسیدگی مجدد را به شعبه هم عرض ارجاع می‌نماید.

یادداشت حقوقی

مجازات ربودن کارت عابر بانک و برداشتن وجوه از آن

سوال: فردی کارت عابر بانک متعلق به دیگری را می‌رباید و سپس به شخص ثالثی می‌دهد تا از آن استفاده نماید مجازات که قانون برای افراد مذکور تعیین کرده چه خواهد بود؟

پاسخ: بنا توجه به اینکه در هنگام صدور کارت عابر بانک، از افسراد وجهی اخذ



مهديه رعيتی
کارشناس حقوق

در قصاص عضو، اخذ نظریه پزشکی قانونی درمورد امکان یا عدم امکان قصاص و چگونگی اجرای آن ضروری بوده و صدور رأی بدون این نظریه، فاقد وجاهت قانونی است.

رأی خلاصه جریان پرونده

حسب محتویات پرونده آقای ع. ح. و. با تقدیم شکوائیه‌ای علیه آقای ه. ر. به اتهام ایراد منتهی به نابینایی کامل به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان چ. استان چهار محال و بختیاری شکایت نموده است. متهم در بازجویی توضیح داده ساعت ۱۱ شب پیش شاکی رفتم داشتیم شوخی می‌کردیم که با انبردست به چشم وی زدم قبول دارم انبردست بطرف او پرت کردم که به چشمش اصابت کرد و مجروح شد س. ز؛ و الف. و. آنجا حضور داشتند... (ص ۶) بشرح صفحه ۴۴ پرونده از شاکی ع. ح. و. در مورد شکایتش تحقیق گردیده گفته است ساعت ۱۲ شب ۱۳/۱۱/۹۲ بنده در پمپ بنزین بودم آقای ه. ر. آمد و تقاضا نمود شب در آنجا باشد، چون در معدن درگیری داشته قصد مخفی شدن داشت، چون اجازه نداشتیم کسی بجز کارگران در پمپ بنزین استراحت کند اجازه ندادم. ناگهان او با انبردست به چشمهایم زد و دیگر چیزی ندیدم و متواری شده ... (ص ۲۴) شهود و حاضرین در محل بنام س. ز؛ و الف. و. نیز اظهارات شاکي را به نوعی تأیید نموده اند اوراق ۵۶ و ۵۷ پرونده. پزشکی قانونی از ع. ح. و. معاینه بعمل آورده و نوشته است ۱ - جرح پلک فوقانی و پلک تحتانی چشم راست (دو دامیه) ۲ - پارگی شبکیه و عنبیه و عدسی چشم راست و چشم چپ و ... معاینه مجدد سه ماه بعد الزامی است (ص ۶۳ پرونده) مجدداً پزشکی قانونی بشرح صفحه ۱۰۷ پرونده چنین اعلام داشته است: از صاحب عکس فوق که خود را ع. ح. و. معرفی می‌نماید معاینه بعمل آمد ... ضمن اعلام خاتمه درمان ۱ - ارش بند دوم گواهی اولیه (بمیزان ۲٪ درصد دیه کامل)

۲ - ارش بند سوم گواهی اولیه (جمعاً بمیزان ۱۴٪ چهارده درصد دیه کامل) ۳ - نابینایی کامل چشم راست و چپ بدنبال صدمات وارده ایجاد گردیده است آقای ح. ع. بعنوان وکیل تسخیری متهم ه. ر. تعیین شده است (ص ۱۲۰ پرونده) جلسه بازسازی صحنه قتل با حضور قاضی و دادرس دادگاه و رئیس پلس اطلاعات استان و مأمورین و شاکي و متهم و نیز شهود قضیه صورت پذیرفته است (ص ۱۴۵ پرونده) الیهای پس از انجام تحقیقات لازم و اقدامات قضایی پرونده با صدور کیفرخواست علیه متهم آقای ه. ر. دایر بر ایراد جرح عمدی در ناحیه چشم به استفاده از شیئی فلزی شبیه انبردست منتهی به نابینایی مطلق هر دو چشم شاکي آقای ع. ح. و. به دادگاه ارسال شده است. شعبه اول دادگاه کیفری یک استان لرستان در تاریخ ۲۳/۱/۱۳۹۵ جلسه رسیدگی با حضور نماینده دادستان شاکي و متهم و وکیل متهم تشکیل گردیده نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت نموده است سپس شاکي گفته است بدلیل نابینا شدن هر دو چشم شاکي هستم قصاص می‌خواهم. دادگاه اتهام متهم دایر بر ایراد جرح عمدی منتهی به نابینا شدن هر دو چشم شاکي قرائت نموده متهم گفته است: شوخی کرده ام انبر را پرتاب کردم به شاکي خورد نمی‌دانم هر دو چشم وی کور است یا نه. خواستم انبر به پای شاکي بزنم س. مابین ما بود که به چشم ایشان خورد قصد درگیری نداشتم در ادامه وکیل متهم نیز مطالبی در دفاع از موکل خود بیان نموده است. آخرین دفاع متهم اخذ که گفته است اشتباه کردم (چی بگویم) ... (ص ۱۸۵) شعبه اول دادگاه کیفری یک لرستان بموجب دادنامه شماره ۰۰۰۶۱۵۴۰۰۱۴ - ۲۸/۱/۱۳۹۵ در خصوص اتهام ه. ر. با وکالت آقای ع. ح. دایر بر ایراد جرح عمدی با انبردست منتهی به نابینا شدن هر دو چشم آقای ع. ح. و. با توجه به شکایت شاکي و شرح و بیان ماوقع و گواهی پزشکی قانونی و نظریه تکمیلی پزشکی قانونی و تحقیقات معموله و شهادت شهود که صراحتاً پرونده درگیری لفظی قبل از پرتاب انبردست از ناحیه متهم و شاکي اداء شهادت نموده اند و اقرار صریح متهم در پرتاب انبر به شاکي لکن اعلام داشته عمدی نبوده و بصورت شوخی این عمل را محقق نموده است و اقرار بر متهم در پرتاب انبر به سمت شاکي و دفاعیات غیرموجه وکیل متهم بزهکاری مشارالیه را محرز دانسته نظر به اینکه امکان قصاص با توجه به نوع و محل اصابت ضربه و عدم امکان تساوی در اجرای قصاص از نظر شرع و قانون وجود داشته و در صورت قصاص آسیب‌های ظاهری نیز بیشتر از ورود ضربه

ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری

هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و یا ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می کند،

الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع یا شاکی یا متهم ب – عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع ب – استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور

- سه‌شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲• سال دوم • شماره ۳۹



دادخواست اعسار، امکانی حقوقی برای معافیت از پرداخت هزینه دادرسی یا پرداخت محکومیت مالی و یا تقسیط آن، برای افرادی است که توان پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت محکومیت‌های مالی خود را ندارند. دادخواست در اصطلاح حقوقی، به‌معنای بیان خواسته از طریق قانونی و درخواست رسیدگی به آن از مراجع قضایی صالح است که باید با رعایت شرایط و فرآیند قانونی خاص آن انجام شود. دادخواست اعسار یکی از انواع دادخواست است. همه افراد می‌توانند در مواقعی که بضاعت مالی پرداخت هزینه دادرسی، پرداخت محکومیت مالی و یا پرداخت بدهی خود را ندارند از این امکان قانونی استفاده کنند.

در این مطلب به تعریف اعسار و مُعسر، مراحل دادخواست اعسار و ثبت آن و موضوعات حقوقی مربوط به دادخواست اعسار می‌پردازد.

اعسار چیست؟

اعسار، کلمه‌ای عربی است از ریشه «عسر» و در برابر کلمه یُسَر قرار داد. اعسار در لغت به معنای فقر، تنگدستی و رنج و سختی است. در اصطلاحات فقهی و حقوقی، اعسار به وضعیتی گفته می‌شود که فرد به دلیل عدم توانایی مالی و یا عدم دسترسی به دارایی‌هایش (مانند در رهن بانک بودن اموال یا ممنوع‌التصرف بودن مالک) قادر به پرداخت بدهی‌های خود نباشد.

اعسار در مورد افراد تاجر صدق نمی‌کند، تاجر برای اثبات ناتوانی مالی خود می‌تواند موضوع ورشکستگی را مراجع صالح مطرح کنند.

انواع اعسار

اعسار به دو دسته تقسیم می‌شود:

اعسار نسبت به پرداخت هزینه‌های دادرسی

اعسار نسبت به پرداخت محکومبه (مانند: مهریه، دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، بدهی و …)

مُعسر کیست؟

معسر به کسی گفته می‌شود که در دادگاه ادعای اعسار می‌کند. طبق ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی غیر از مستثنیات دین، قادر به تأدیه (پرداخت) دیون خود نباشد. (ماده ۲۴ همین قانون موارد مستثنیات دین را مشخص کرده) طبق تبصره این ماده، عدم دسترسی به مال نیز در حکم نداشتن مال است.
اعضای اعسار لزوماً زمانی مطرح نمی‌شود که شخص بدهکار عملاً هیچ وجه یا مالی نداشته باشد، بلکه گاهی ممکن است، بدهکار مال یا دارایی کافی داشته باشد، اما آن اموال در وضعیتی قرار دارد که در حال حاضر به آن‌ها دسترسی ندارد، در این حالت نیز آن فرد در حکم مُعسر محسوب می‌شود، چون خارج از اراده اوست؛ بنابراین فردی که به هر دلیلی، توان مالی پرداخت هزینه دادرسی را ندارد یا اینکه طبق رای دادگاه، محکوم قطعی به پرداخت وجهی شده است و قدرت پرداخت یک جای تمام مبلغ محکومیت خود را ندارد، می‌تواند تقاضای اعسار جهت عدم پرداخت هزینه دادرسی یا تقسیط بدهی بدهد که در صورت احراز اعسار او از سوی دادگاه به او «معسر» گفته می‌شود.

چه کسی می‌تواند دادخواست اعسار بدهد؟

تقاضای اعسار صرفاً از سوی محکوم‌علیه (بدهکار) یا وکیل یا نماینده قانونی او پذیرفته می‌شود. خواهانی که برای ارائه دادخواست ملزم به پرداخت هزینه دادرسی است و توان پرداخت این هزینه را ندارد و هر کسی که به موجب حکم دادگاه، محکوم به پرداخت مالی می‌شود، اما توانایی پرداخت محکومبه را نداشته نباشد، می‌تواند با ثبت دادخواست اعسار، از دادگاه بخواهد، او را از پرداخت هزینه معاف کند یا اینکه پرداخت بدهی او را تقسیط کند.

اعسار از پرداخت هزینه دادرسی به چه مناسبت؟

طبق ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی: «معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود به طور موقت قادر به تأدیه آن نیست.»
معسر، می‌تواند با ثبت دادخواست اعسار، از پرداخت تمام یا بخشی

از هزینه‌های دادرسی، معاف شود.

اعسار از پرداخت محکوم‌به چه مناسبت؟

در صورتی که طبق رای دادگاه فردی محکوم به پرداخت وجه نقد و یا مالی به دیگری شود، اما قادر به پرداخت همه یا بخشی از محکوم‌به به دلیل ناتوانی یا عدم دسترسی به مالش نباشد، به موجب قانون می‌تواند از دادگاه درخواست کند تا با در نظر گرفتن شرایط مالی او، ترتیبی را اتخاذ کند که طبق آن، به صورت اقساطی بدهی خود را پرداخت کند. در این صورت دادگاه به این شرایط مدعی اعسار رسیدگی می‌کند و در صورت احراز اعسار، حکم معسر بودن او را صادر می‌کند. قاضی دادگاه، ممکن است در مقابل درخواست اعسار از پرداخت محکومبه، یکی از این سه تصمیم را اتخاذ کند: -تقسیط بدهی -اعطای مهلت -برائت موقت ذمه بدهکار تا زمان حصول توانایی مالی معمولاً در برابر دادخواست‌اعسار، حکم به قسطی کردن بدهی داده‌می‌شود.

تقاضای اعسار در چه شرایطی مانع حبس می‌شود؟

درخواست اعسار با رعایت شرایط زیر مانع حبس فرد محکوم به پرداخت مال می‌شود:

درخواست اعسار تا ۳۰ روز بعد از ابلاغ اجرائیه محکومیت مالی

طبق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اگر استیفای محکومبه از طرق مذکور در این قانون (اخذ عین مال یا اخذ مثل یا قیمت آن از محل اموال محکوم‌علیه با رعایت مستثنیات دین) ممکن نباشد، محکوم‌علیه (خوانده) به تقاضای محکومله (خواهان) تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکومله حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا ۳۰ روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

طبق تبصره این ماده: چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکومله آزادی او را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکومبه ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. طبق تبصره دو این ماده، مقررات راجع به توقیع و موانع اجرای مجازات حبس در مورد کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز مجری است.

تقاضای تعدیل اعسار چیست؟

از آنجا که اعسار و ایسار (توانایی مالی)، یک وضعیت و حالت دائمی نیستند، ممکن است یک فرد امروز معسر باشد، ولی مدتی بعد، وضعیت مالی او به هر دلیلی مثلاً رسیدن ارث، بهتر شود و یا بالعکس، فردی امروز توانایی پرداخت بدهی خود را داشته باشد، اما مدتی بعد به هر دلیلی توانایی مالی خود را از دست بدهد.

قانونگذار با پیش‌بینی این موضوع، امکان «تقاضای تعدیل» را برای فرد طلبکار و بدهکار، فراهم کرده است. فرد طلبکار در صورت اطلاع

از بهبود وضعیت مالی معسر، می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم اعسار، تقاضای تعدیل اقساط را داشته باشد تا بعد از رسیدگی وضعیت فرد، در صورت امکان، رقم اقساط را بیشتر کند.

اگر وضعیت فرد بدهکار، بدتر از گذشته شود، او نیز می‌تواند تقاضای تعدیل حکم اعسار را داشته باشد که با اثبات این موضوع، مبلغ اقساط به تشخیص دادگاه کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین حکم اعسار مانند برخی دیگر از احکام قضایی از اعتبار امر مختموه برخوردار نیست و قابل تغییر است و هریک از طرفین دعوی که نسبت به میزان اقساط تعیین شده، درخواست کاهش یا افزایش داشته باشند، باید دادخواستی با موضوع تعدیل تقسیط محکومبه ارائه دهند. معمولاً محکوم‌علیه، تقاضای کاهش مبلغ تعیین شده و محکومله، تقاضای افزایش مبلغ تعیین شده را دارد.

تبصره دو ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در این رابطه مقرر کرده است: هریک از محکوم‌له یا محکوم‌علیه می‌توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با

ادامه از صفحه قبل

تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجراء می‌شود.

دانستنی‌های حقوقی

همه چیز درباره دادخواست اعسار

دادخواست اعسار چیست؟

اعسار با ملاحظه وضعیت مالی محکوم، مهلت مناسبی برای پرداخت به او می‌دهد یا حکم تقسیط دادگاه در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او را لحاظ کند و اقساط را به نحوی تعیین کند که محکوم توانایی پرداخت محکوم تاوانی را داشته باشد.

اما اگر دعوای اعسار رد شود، طبق قانون، دادگاه ضمن حکم به رد دعوی، در صورت درخواست خوانده، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارده بر خوانده دعوای اعسار محکوم می‌کند.

مدارک لازم برای طرح دعوای اعسار

طبق ماده ۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مدعی اعسار در زمان طرح دعوای اعسار باید این مدارک را ضمیمه دادخواست اعسار کند:
-صورت کلیه اموال شامل: شرح کامل تعداد، مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانک‌ها، یا موسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حساب‌هایش -کلیه اموالی که به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد -کلیه مطالبات مدعی اعسار، از اشخاص ثالث -فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مدعی اعسار، از زمان یک‌سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد

اثبات اعسار در دادگاه و تقسیط محکوم به

ادعای اعسار با استفاده از این روش‌ها در دادگاه قابل اثبات است:

سوگند مدعی اعسار:

طبق ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر توانایی مالی مدعی اعسار داشته باشد یا اینکه مدیون در برابر بدهی، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده خود اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در برابر بدهی، مالی دریافت نکرده باشد هرگاه خوانده دعوای اعسار نتواند توانایی مالی فعلی یا سابق او را ثابت کند یا توانایی مالی فعلی یا سابق مدعی اعسار نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار او با سوگند فرد بدهکار، مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

شهادت‌شهود از طریق شهادتنامه کتبی:

مدعی اعسار طبق شرایط قانونی برای اثبات ادعای خود باید

شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به دادگاه ارائه دهد.

بر اساس ماده ۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اگر مدعی اعسار در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده اوست و در مواردی که سابقه ملائت (توانایی مالی) او اثبات شده باشد، بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل ۲ شاهد را به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید.

این شهادتنامه باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون را، داشته باشد.

طبق ماده ۹ این قانون، شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد. همچنین طبق ماده ۵۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی: در صورتی که دلیل اعسار شهادت شهود باشد، باید شهادت کتبی حداقل ۲ نفر از اشخاصی که از وضعیت مالی و زندگانی مدعی اعسار مطلع هستند به دادخواست ضمیمه شود. در شهادتنامه، مشخصات و شغل و وسیله امرار معاش مدعی اعسار و عدم تمکن مالی او برای تأدیه هزینه دادرسی با تعیین مبلغ آن باید تصریح شده و شهود باید منشا اطلاعات و مشخصات کامل و اقامتگاه خود را به‌طور روشن ذکر کنند. بر اساس شرایط، ممکن است دادگاه به شهادت‌نامه تفصیلی که ضمیمه دادخواست شده، اکتفا کند و حکم بدهد یا اینکه از مدعی اعسار بخواهد شهود خود را حاضر کند، البته خوانده دعوای اعسار هم می‌تواند دلیلی بر تمکن مدعی ارائه کند.

همچنین در مورد پذیرش شهادت شهود، اظهارات خوانده دعوا در مورد جرح شهود (اعلام نادرستی یکی از شرایط لازم برای شهادت) و نظر دادگاه در مورد تعدیل شهود (دارا بودن شرایط لازم برای شهادت) نیز مد نظر قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است، عدم معرفی مال به تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر اثبات اعسار مدیون باشد چرا که ممکن است مدعی اعسار اموال متعددی داشته باشد، ولی محکومله قادر به شناسایی آن‌ها نباشد.

امکان استعلام وضیت مالی مدعی اعسار:

طبق بند (پ) ماده ۱۱۳ لایحه برنامه هفتم توسعه مقرر شده است: امکان استعلام آنی وضعیت مالی مدعیان اعسار یا ورشکستگی و محکوم‌علیه و بدهکار در دوایر اجرای احکام و دوایر اجرای ثبت از طریق سامانه هوشمند استعلامات مالی (سپاهام) ایجاد شود.
از سوی دیگر امکان بررسی اطلاعات بانکی افراد در موارد مربوط به دعوای اعسار، برای جلوگیری از اطاله دادرسی و ایجاد یک فرآیند خودکنترلی یا قراردادن اسم فرد مدعی اعسار در فهرست افراد معسر و اعلام موضوع به بانک مرکزی و جاهای دیگر نیز در دستور برنامه تحول قضایی قرار دارد.
با اجرایی شدن این طرح، مدعی اعسار با اثبات اعسار خود در دادگاه، اعسارش به دستگاه‌های دیگر مانند بانک‌ها نیز اعلام می‌شود و به این ترتیب از مزایای دیگری مانند اخذ وام‌های کلان و … محروم می‌شود. در این شرایط فرد با قبول تبعات اثبات اعسار خود در دادگاه باید نسبت به طرح دادخواست اعسار تصمیم بگیرد.

حکم اعسار چه زمانی لغو می‌شود؟

در صورتی که ثابت شود فردی معسر است و حکم به نفع وی صادر شود، اما بعداً اثبات شود اموالی داشته یا اینکه طی مراحل دادرسی یا بعد از آن، از حالت اعسار خارج شده و توانایی مالی پیدا کند، حکم اعسار او لغو و موظف به پرداخت هزینه‌های دادرسی یا پرداخت بدهی خواهد بود.

مرجع صالح رسیدگی به دادخواست اعسار

طبق ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی کرده است.

همچنین طبق ماده ۱۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: دعوای اعسار در مورد محکومبه در دادگاه نخستین رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طریقی محکومله اقامه می‌شود. رسیدگی به دادخواست اعسار از هزینه‌های دادرسی در مرحله

تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجراء می‌شود.

شخصی بودن حکم اعسار، یعنی چه؟

شخصی بودن حکم اعسار به این معناست که اگر دادگاه، حکم به اعسار شخصی بدهد، این حکم فقط در مورد همان شخص مدعی اعسار یعنی «مُعسر» جاری می‌شود.

حکم اعسار به ارث می‌رسد؟

باتوجه به ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی و شخصی بودن حکم اعسار، در صورت فوت معسر، حکم اعسار او به ارث نمی‌رسد و ورثه شخص معسر نمی‌توانند از حکم اعسار متوفی استفاده کنند. فوت معسر، در هریک از مراحل دادرسی‌های بدوی، تجدیدنظر یا فرجام خواهی، مانع جریان دادرسی نیست و هزینه دادرسی از ورثه او مطالبه می‌شود، مگر آنکه وراث شخص معسر نیز دادخواست اعسار بدهند و اعسار خود را ثابت کنند.

مزایای حکم اعسار

طبق ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی، شخص معسر پس از اثبات اعسار، از مزایای زیر برخوردار می‌شود:
- معافیت موقت از پرداخت تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی در مورد دعوایی که برای معافیت از هزینه آن دادخواست اعسار مطرح شده است.

حق داشتن وکیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله

رد اعسار

محکومله می‌تواند با آوردن اسناد و مدارکی مبنی بر تمکن مالی محکوم‌علیه، استطاعت مالی او را ثابت کند و درخواست رد دعوای اعسار او را بدهد.

دلایل رد درخواست اعسار باید توسط دادگاه احراز شود، تا حکم به رد اعسار صادر شود.

تفاوت اعسار با ورشکستگی چیست؟

همانطور که بیان شد، دادخواست برای افراد غیرتاجر قابل استفاده است، اما اگر تاجری (تاجر طبق شرایط قانون تجارت)، وضع مالی مناسبی نداشته و مدعی اعسار باشد، باید طبق ماده ۵۱۲ قانون مدنی و با توجه به مقررات قانون تجارت، دادخواست ورشکستگی بدهد و تنها در صورت اثبات این ادعا، می‌تواند از معافیت پرداخت هزینه دادرسی استفاده کند. عدم پذیرش ادعای اعسار از فرد تاجر، به این تبعات این امر و نیاز به بررسی بیشتر وضع مالی فرد تاجر است.

اعسار مطلق و اعسار نسبی به چه مناسبت؟

اگر مدعی اعسار به طور کلی تمکن مالی نداشته باشد و به هیچ وجه نمی‌تواند مبلغی که به آن محکوم شده است یا هزینه دادرسی را بپردازد، اعسار در این صورت از نوع «اعسار مطلق» نامیده می‌شود. اگر شرایط معسر به نحوی باشد که نمی‌تواند به صورت یکجا بدهی خود را بپردازد، اما به نحو اقساطی قادر به پرداخت باشد، اعسار او از نوع «اعسار نسبی» نامیده می‌شود.

انواع دادخواست اعسار

برخی از انواع دعوای که در مورد آن دادخواست اعسار مطرح می‌شود عبارتند از:

-اعسار از پرداخت مهریه

-اعسار از پرداخت بدهی

-اعسار از پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم

آیا داشتن وکیل در دعوای اعسار، باعث رد دعوی می‌شود؟

طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، صرف داشتن وکیل، نمی‌تواند باعث رد دعوای اعسار شود.



در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زبانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه ای که قوه قضائیه اعلام می کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می نماید. هرگاه شاکی، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می شود.

ادامه در صفحه بعد ➔

سرمقاله

سه شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۳۹



لیلا آربین پارسا
وکیل پایه یک دادگستری
دانشجو دکتری حقوق جزا
و جرم شناسی

تعليق مجازات چیست و شرایط اجرای آن چگونه می باشد



گاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، «مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر میشود. تعلیق مراقبتی: در تعلیق مراقبتی علاوه بر رعایت شرایط تعلیق ساده، محکوم باید دستورات دادگاه را نیز در مدت تعلیق انجام دهد.

شرایط عمومی تعلیق مجازات

در تعلیق مجازات ساده و نیز تعلیق مراقبتی، شرایط عمومی تعویق به شرح بندهای چهارگانه ماده ۴۰ قانون در « مجازات اسلامی باید رعایت شود. بر اساس این ماده جرایم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸ دادگاه م تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی، سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

- وجود جهات تخفیف.
- پیشبینی اصلاح مرتکب.
- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران.
- فقدان سابقه کیفری مؤثر.

شرایط لغو قرار تعلیق مجازات

تعلیق اجرای مجازات منوط به عدم ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت در زمان تعلیق اجرای مجازات است. در نتیجه اگر محکوم مرتکب یکی از این جرایم شود، قرار تعلیق به موجب ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی لغو و دستور اجرای حکم معلق صادر میشود. بر اساس ماده ۵۴ هرگاه محکوم از تاریخ صدور « این قانون قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام میکند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجرا میشود.

دادگاه صالح برای لغو قرار تعلیق مجازات در پاسخ به این پرسش که کدام دادگاه برای الغای قرار تعلیق صالح است، در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ با توجه به ماده ۳۳، دادگاهی که حکم تعلیق اجرای مجازات سابق را صادر کرده بود یا دادگاه جانشین، صالح برای الغا بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در قسمتی از ماده ۵۴ آمده است:

پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور « اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند.

با توجه به این قسمت از ماده دو حالت پیش می آید:

با توجه به ماده ۵۵ قانون جدید، دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است، پس از صدور قرار متوجه میشود که محکوم دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده که در میان آنها محکومیت تعلیقی بوده است. در این صورت، قرار تعلیق را لغو میکند.

● دادگاه دیگر پس از رسیدگی به اتهام دیگر متهم و قطعیت متوجه میشود که محکوم قبلاً مرتکب یکی از جرایم مشمول حد، قصاص، تعزیر تا درجه هفت شده است.

در اینجا قانونگذار برخلاف قانون سابق قایل به حدوث وضعیت جدیدی شده است. بدین ترتیب که این دادگاه که اصولاً صادرکننده قرار تعلیق نبوده است، قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر میکند و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام میکند. در واقع دادگاهی که قرار تعلیق را صادر نکرده است، آن را لغو میکند و حتی دستور اجرای حکم سابق را میدهد. ایجاد صلاحیت اضافی برای دادگاهی که اصولاً در جریان قرار تعلیق نبوده، قابل انتقاد است زیرا اصولاً بهتر بود در تمام احوال دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اجرای مجازات مبادرت به لغو قرار کند، نه دادگاهی که در پرونده دیگری رأی قطعی صادر کرده است.

در صورتی که دادستان یا قاضی اجرای احکام متوجه شود که محکوم دارای سابقه محکومیت مؤثر یا محکومیت های دیگری بوده، موظف است که لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست کند. در این صورت با عنایت به مطلبی که در فوق آمده است، این ابهام ایجاد میشود که کدام دادگاه صالح است؟ آیا دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده یا دادگاهی که حکم به حد یا قصاص یا تعزیر به شرح مندرج در ماده ۵۴ داده است؟ چنین به نظر میرسد دادستان تقاضای لغو قرار را از دادگاهی خواهد خواست که قرار تعلیق مجازات را صادر کرده است.

مؤثر نبودن اجرای تعلیق مجازات در حق مدعی خصوصی

تعلیق اجرای مجازات با توجه به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی، در حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد. بر اساس این ماده: تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می شود بنابراین در صورتی که مدعی خصوصی دادخواست ضرر و زیان داده باشد یا در مورد دیه، تقاضا کند، تعلیق اجرای مجازات در امر حقوقی اثری نداشته و دادگاه وفق مقررات نسبت به این موضوع رسیدگی خواهد کرد. اما با توجه به اینکه شرایط تعلیق وفق ماده ۴۶ همان شرایط تعویق صدور حکم است و یکی از شرایط عمومی تعویق صدور حکم وفق بند پ ماده ۴۰ جبران ضرر و زیان یا برقراری «این اشکال پیش می آید که در صورت عدم، ترتیبات جبران است جبران ضرر و زیان یا برقراری جبران ضرر و زیان، دیگر موجبی برای تعلیق اجرای مجازات پیش نمی آید که مشمول ماده ۵۱ شود.

تعلیق مجازات عبارت از این است که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم علیه با شرایط خاصی معلق شود. بر این اساس، اجرای مجازات مذکور دادگاه صادرکننده حکم در دادنامه را با توجه به شرایطی و برای مدتی معین و به منظور اصلاح و تربیت مجرم به تأخیر می اندازد

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانونگذار مواد ۴۶ تا ۵۴ را به تعلیق اجرای مجازات اختصاص داده است. بر اساس ماده ۴۶ در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه م تواند « این قانون در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای ی کسوم مجازات میتواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق کند. همچنین محکوم میتواند پس از تحمل ی کسوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق کند

تعلیق مختص جرایم تعزیری است

تعلیق، مشمول جرایم تعزیری است و جرایم مربوط به حدود و قصاص و با توجه به تبصره ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات شرعی، از شمول موارد تعلیق استثنای شده اند. مجازات های قابل تعلیق، مربوط به مجازات های درجه ۳ تا ۸ می شود که در مقایسه با مقررات تعویق صدور حکم که درجات ۶ تا ۸ را در برمی گرفت، گستره مجازات های قابل تعلیق بیشتر است. یکسان بودن شرایط تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حک م شرایط تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم یکسان هستند بنابراین شرایط عمومی و اختصاصی تعلیق ساده و مراقبتی همانند تعویق صدور حکم است. مدت تعلیق با توجه به ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، یک تا پنج سال است که در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ این مدت ۲ تا ۵ سال بود.

همانند قانون سابق، دادگاه م تواند تمام یا قسمتی از مجازات را مورد تعلیق قرار دهد. در قانون تعلیق مصوب سال ۱۳۴۶ و قانون سال ۱۳۶۱ چنین قیدی وجود نداشت؛ به این معنا که دادگاه نم ی تواند قسمتی از مجازات را معلق کند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، برخلاف مقررات قوانین سابق، تعلیق اجرای مجازات پس از گذراندن ی ک سوم مجازات پذیرفته شده است. با توجه به قسمت اخیر ماده ۴۶ دادستان میتواند تعلیق اجرای بقیه مجازات را از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضا کند.

محکوم علیه نیز م تواند پس از گذراندن مدت مزبور، تقاضای تعلیق اجرای بقیه مجازات را مطرح کند. در توضیح این مطلب باید گفت که صادرکننده حکم قطعی به شرح مذکور در ماده فوق می تواند دادگاه بدوی صادرکننده رأی باشد یا دادگاه تجدیدنظر؛ که پس از نقص رأی برائت رأساً مبادرت به انشای صدور حکم کرده است.

انواع تعلیق

تعلیق اجرای مجازات بر دو نوع است: قانون مجازات اسلامی، اجرای مجازات را به دو نوع ساده و مراقبتی تقسیم کرده است. بر اساس ماده ۴۸ این قانون:

تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد

تعلیق ساده: در تعلیق ساده، متهم تعهد میکند که در مدت تعلیق جرمی انجام ندهد. به موجب ماده ۵۲ قانون مجازات اسلامی، هر

هرگاه در جرائم قابل گذشت، شاکی با وجود ملاتت از پرداخت هزینه های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی آید.

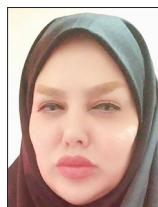
اما در جرائم غیر قابل گذشت، هزینه های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می شود.

دانستنی های حقوقی

سه شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲ سال دوم • شماره ۳۹

یادداشت حقوقی

جبران خسارت وارده به مشتری توسط بانک در صورت قصور در انجام وظیفه



زهرا رستمی
کارآموز وکالت

سوال: شخصی با مراجعه به بانک وجوهی را جهت واریز به حساب شخصی خود بر روی پیشخوان بانک قرار داده که در همین لحظه شخصی دیگر مبلغ مذکور را سرقت کرده و از بانک خارج می شود. نظر به عدم شناسایی و دسترسی به سارق آیا بانک مسئولیتی جهت جبران خسارت دارد یا خیر؟

پاسخ: در خصوص سوال مطروحه نظریات مختلفی از سوی صاحب نظران اعلام شده که بشرح ذیل اعلام می گردد.

نظر گروه اول: با توجه به مواد ۲، ۱۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و با وصف استمداد مال باخت، چنانچه بانک فاقد سیستم قفل مرکزی باشد (برخلاف دستورالعمل بانکها) و سارق متواری شود، مسلماً بانک مسئول است و چنانچه بانک دارای قفل مرکزی باشد ولی به موقع اقدام و استفاده ننماید به لحاظ بی احتیاطی باز هم مسئول است و حالتی که شخص پول را روی پیشخوان می گذارد و سرقت صورت می گیرد فرق می کند با حالتی که در محوطه بانک از جیب اشخاص سرقت می شود و در حالت اول بانک مسئول است. گروه دوم: باید تفکیک نمود. مثلاً چنانچه شخص در نوبت اول باشد و پول را در منظر متصدی بانه روی پیشخوان بگذارد و از تعلل و بی احتیاطی متصدی و عدم استفاده از قفل مرکزی سارق موفق به سرقت و فرار شود در این فرض متصدی را می توان مسئول دانست و چنانچه بانک فاقد قفل مرکزی باشد بانک نیز از اسباب تلقی می گردد. ولی چنانچه شخص چند نوبت عقب باشد و با فاصله از متصدی بانه پول را روی پیشخوان قرار دهد و سرقت صورت گیرد نمی توان متصدی و بانک را مسئول دانست.

گروه دوم: بانک یا متصدی بانه را نمی توان مسئول یا مسبب تلقی نمود؛ چرا که دستورالعمل داخلی بانکها در خصوص تکلیف و الزام همه بانک ها به داشتن قفل مرکزی یا داشتن نگهبان به منظور حفظ و حراست از اموال بانک است و در فرض سؤال به لحاظ این که وجه به صندوق دار سپرده و تحویل نشده لذا جزء اموال بانک محسوب نمی شود و بی احتیاطی توسط متصدی بانه متصور نمی باشد بلکه شخص باید احتیاط لازم را می نمود و وجه را مستقیماً به دست صندوق دار می داد و قاعده ید در این موضوع حاکم است و مسئول دانستن بانک یا متصدی بانه باطل است و دستورالعمل مذکور و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی منصرف از موضوع است و ضمان یا قهری است یا قراردادی که مسئول دانستن بانک، مشمول هیچ یک از ضمان ها نمی باشد.

گروه سوم: با توجه به موقعیت خاص بانک ها در خصوص حفظ و حراست دارایی بانک و پول های مشتریان باید در محوطه داخلی بانک به قدر کافی مأمور امنیتی مسلح و مخفی وجود داشته باشد و مجهز به سیستم امنیتی باشد و همین که مشتری به محیط بانک وارد می شود از امنیت کافی برخوردار باشد. در سؤال مطروحه مشتری وجهی را می خواسته به حساب خود واریز نماید و آن را روی پیشخوان و مقابل متصدی مربوطه قرار داده که به وسیله سارقی ربوده می شود. این نوع سرقت ها در بانک ها نظایری داشته که برای جلوگیری از این گونه وقایع از طرف بانک مرکزی و مسئولین مربوطه دستور لازم صادر شده است. همچنین با توجه به اتخاذ ملاک از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، بانک باید خسارت وارده به مشتری را جبران نماید، زیرا در انجام وظیفه خود که حفظ امنیت محوطه بانک است قصور داشته است

استرداد هدایای تقدیمی از طرف خانواده زوجین

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

تجدیدنظرخواهی خانم ه. بکویر دیلو باوکالت آقایان علی و س. ح. از دادنامه شماره ۰۹۴۶ مورخ ۹۴/۹/۱۴ شعبه محترم سوم دادگاه عمومی ملارد که بموجب آن در خصوص دعوی مطروحه خانم س. ک. بطرفیت مشارالیه (که عروس وی بوده) بخواسته مطالبه طلاجات اهدائی بوی در پرونده کلاسه ۳-۹۴-۶۱۹ رابر خواسته تصدیق گردیده وارد است، زیرا هدایائی که از طرف خانواده طرفین به همدیگر داده میشود امانی یا عاریه نیست بلکه هبه است در غیر اینصورت که از طرف قابل تصرف و استفاده از سوی مهدی الیه نبود در حالیکه عادت خلاف این امر بوده و عروس یا داماد و هردو از هدایای اهدایی استفاده می کنند و چه بسا تبدیل یا تفویض یا بفروش رسانند و همه این دلایل ظهور در هبه است نه امانت و رجوع از هبه جایز نبوده بویژه اینکه اصل موهوبه هم موجود نباشد (بنود ماده ۸۰۳ قانون مدنی) باعنایت به ملاحظه لوائح طرفین استدلال دادگاه محترم بدوی دادنامه بر اساس قواعد و موازین فقهی و حقوقی جاری و تشریفات دادرسی ساری تصدیق یافته ایراد تجدیدنظرخواه باهیچ یک از شقوق ماده ۳۴۸ قانون آئین دادرسی منطبق نمیباشد مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن رد تجدید نظرخواهی تجدیدنظرخواه دادنامه تجدیدنظر خواسته راعیناً تأیید مینماید. رأی صادره قطعی است.

هدایای تقدیمی از طرف خانواده زوجین در هنگام ازدواج، امانی یا عاریه محسوب نمی شوند، بلکه هبه است؛ بنابراین قابلیت تصرف و استفاده دارند و درخواست استرداد آن ها (در صورت عدم وجود شرایط استرداد هبه) فاقد محمل قانونی است.

رأی دادگاه بدوی

در خصوص دادخواست س. ک. بطرفیت ه. ب. با وکالت بعدی سید حسن حسینی بخواسته صدور حکم به محکومیت خوانده به استرداد طلاجات به شرح فاکتورها؛ دادگاه با توجه به دادخواست تقدیمی خواهان و با توجه به فاکتورهای شماره ۲۴۰۶ و ۹۴۹ و ۳۰۸۷ و ۲۵۰ و ۱۲۹۲ و ۳۸۵۸ و ۰۶۲۴ و ۳۸۷۵ و ۳۸۱۳ و با توجه به تعیین وقت رسیدگی و استماع اظهارات طرفین با توجه به قبول وکیل خوانده در وجود اموال نزد خوانده، اما با این دفاع که اقلام فوق الذکر .. بوده است، اما خواهان اظهارداشت امانت بوده است که در این موضوع با توجه به وجود اصل اموال نزد خوانده؛ که خواسته خواهان را ثابت دانسته و باستناد به مواد ۲۶۵، ۲۶۵ و ۸۰۳ قانون مدنی و مواد ۱۹۸ ق.ا.د. م رای بر الزام خوانده به استرداد طلاجات به شرح فاکتورهای فوق الذکر صادر و اعلام می گردد. رای صادره حضوری است و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان تهران می باشد.

قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل گرایی

تصویب هیأت وزیران و در مورد قوای مقننه و قضائیه با تأیید رئیس هر قوه امکان پذیر است.

تبصره ۴ - سازمان برنامه و بودجه و دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور موظفند گزارش چگونگی اجراء و موارد تخلف از این قانون را هر سه ماه یکبار به رؤسای سه قوه و دبیرخانه شورای عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف ارائه نمایند.

ماده ۲ - شورای امنیت کشور موظف است حداکثر تا یک ماه رده بندی حفاظتی، نحوه حفاظت و اتومبیل مورد استفاده و تشریفات سان و رژه کلیه مسئولین و شخصیت های کشوری و لشکری را تهیه و جهت اجراء ابلاغ نماید.

وزیر کشور مسئول پیگیری و نظارت بر اجرای این مصوبه می باشد و موظف است هر سه ماه یک بار گزارش عملکرد و تخلفات را به مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و قوه قضائیه ارائه نماید.

ماده ۳ - کلیه دستگاه های مذکور در ماده یک موظف به اجراء دقیق مفاد این قانون بوده و تخلف از آن در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب و طبق قوانین و مقررات مربوط رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴ - صدا و سیما و سایر وسایل ارتباط جمعی موظفند برنامه های خود را به نحوی تهیه و تنظیم نمایند که منجر به تبلیغ فرهنگ تجمل گرایی نشود.

قانون فوق مشتمل بر چهار ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و هفتم آذر ماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل گرایی، مشتمل بر ۴ ماده است.

قانون نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل گرایی، با هدف کنترل هزینه های غیر ضرور و مبارزه با تجمل گرایی در سازمان های مذکور در این قانون تصویب شده است.

قانون مذکور مشتمل بر ۴ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

ماده ۱ - به منظور کنترل هزینه های غیر ضرور و مبارزه با تجمل گرایی در وزارتخانه ها، نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداریها، سازمانها، بانکها، شرکت ها و واحدهای مختلف وابسته به قوه مجریه، مقننه و قضائیه و کلیه نهادهای انقلاب اسلامی و تمام دستگاههایی که شمول قانون بر آن ها مستلزم ذکر نام است، شورای عالی بررسی و تعیین الگوی مصرف موضوع تبصره ۳۰ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موظف است علاوه بر انجام وظایف مذکور در تبصره فوق الذکر آئین نامه نحوه استفاده از امکانات عمومی از قبیل: اتومبیل، هواپیما، هلیکوپتر، مسافرت های خارجی، پذیرائی ها و دیگر هزینه های اداری، خدماتی، و رفاهی را حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند.

تبصره ۱ - وزیر دادگستری به عنوان عضو ثابت در شورای مذکور شرکت می نماید.

تبصره ۲ - شورا حداقل هر دو هفته یک بار باید تشکیل جلسه دهد. تبصره ۳ - برگزاری سمینارها، کنگره ها، بزرگداشت ها، گردهم آئی های بین المللی توسط دستگاه های اجرایی تنها با

عقود و تعهدات قراردادی

قسمت دوم

یک عقد جایز باشد از حیث غیرقابل انحلال بودن آن به وسیله مشروط علیه از قرار داد اصل کسب لزوم می‌کند و غیرقابل انحلال می‌گردد مثل شرط وکالت، مثلاً اگر فروشنده در هنگام انعقاد بیع به وکالت خریدار درآید تا طلب او را جمع ندهد و از آن محل ثمن معامله را استیفاء کند هیچ یک از طرفین می‌تواند وکالت مذکور را فسخ نماید.

زیرا اگر چه وکالت به عقد جایز است و می‌توان آن را فسخ کرد ولی در فرض مذکور وکالت جزئی از عقد را تشکیل داده و از استحکام عقد بیع که عقدی لازم است، برخوردار می‌باشد و چون هر دو طرف عقد در شرط یاد شده نفع دارند هیچ یک از طرفین به تنهایی قادر به صرف نظر کردن از آن نیست. (وحدتی شبیری، ۱۳۷۹)

این قاعده از حدی از بدها است که مورد تایید عموم حقوقدانان می‌باشد و همگی با آوردن مثال‌های متفاوت آن را تایید کرده‌اند. البته نباید تصور کرد که شرط ضمن عقد در خصوصیت مثبت از عقد اصل تبعیت می‌کند بلکه هر گاه تعهد اصل جایز، غیرنافذ یا باطل باشد شرط ضمن آن نیز همان وضعیت را دارد. بنابراین در صحت، بطلان، عدم نفوذ، جایز بودن، لازم بودن و هر خصوصیت دیگری شرط تابع عقد اصلی است. این حقیقت در فقه نیز مورد عنایت واقع شده است. لازم به ذکر معنی و ادله همانگونه که می‌تواند اجرای عقد اصلی را طلب کند حق درخواست شرط نیز برای او محفوظ است و ذکر شرط در ضمن عقد محدودیت ندارد. (صفایی، ۱۳۷۶)

نحوه انضمام شرط به عقد

یکی از مباحث حساس در مساله شرط ضمن عقد، چگونگی انضمام شرط به عقد است که هم از لحاظ زمانی، یعنی مقدم، هم زمان یا موخر بودن صیغه شرط نسبت به صیغه عقد مطرح می‌شود و هم تعداد شروط. برای انضمام شرط به عقد دو شیوه قابل تصور و اجرائی است یکی تبانی طرفین عقد بر آن و دیگری بیان شرط، ضمن صیغه عقد. دکترشیدی در این خصوص عقیده دارند که ((شرط هنگامی منضم به عقد شده و بدان وابسته می‌شود که یا ایجاب و قبول عقد اصل صریحاً مندرج شود و یا آن که طرفین قبلاً نسبت به آن توافق کرده و ایجاب و قبول عقد را بنابر آن انشاء کنند.

ادامه در شماره بعد



حمیدرضا به‌گذر
حقوقدان

برخی از بزرگان علم حقوق برای شرط از جهات مختلف معانی متفاوت را بیان کرده‌اند. چنانچه شرط را در مفهوم امری محتمل الوقوع در آینده دانسته‌اند که طرفین عقد یا شخص ایقاع کننده، حدوث اثر حقوق عقد یا ایقاع را متوقف بر حدوث آن امر محتمل الوقوع می‌کنند نیز آن را وصفی دانسته‌اند که یکی از طرفین عقد وجود آن را در مورد معامله تعهد کرده باشد بدون اینکه آن وصف محتمل الوقوع مربوط به آینده باشد. (طاهری، ۱۳۸۹)

در اصطلاح حقوقی شرط یکی از مفهوم زیر را بیان می‌کند. امری که وقوع یا تاثیر عمل یا واقعه حقوقی خاصی به آن بستگی دارد. برای مثال در ماده ۱۹۰ (ق م) که شرایط اساسی صحت معامله را بیان می‌کند مقصود همین معنی است پس قصد و رضا شرط صحت معامله است و نیز فوت مومن شرط تاثیر وصیت است.

وابستگی شرط به قرار داد اصلی

درج شرط عقد اصل سبب می‌شود که شرط از جهت صحت و نفوذ تابع قرارداد اصلی باشد، همچون هر فرعی که از اصل خود تبعیت می‌کند. در صورتی که عقد اصلی باطل باشد، تعهد فرعی ناشی از شرایط نیز باطل خواهد بود و هرگاه عقد اصل صحیح باشد شرط مندرج در آن نیز چنانچه با مقررات مربوط به خود منطبق باشد صحیح است.

همچنین برای تحقق مفهوم شرط باید ارتباطی بین مفاد آن و عقد اصلی موجود باشد خواه این ارتباط نتیجه طبیعت شرط باشد یا تراضی در واقع همان طور که گفته شد رابطه عقد و شرط مانند اصل و فرع است و در بیشتر موارد مفاد شرط تنها در دامان عقد و سایه تعهدات اصل معنی پیدا می‌کند مانند قرارداد فروش زمین کشاورزی که شرط شده ۱۵ هکتار باشد. (موسوی جنوردی، ۱۳۸۱)

هدف اساسی از نماد حقوق ((شرط)) وابستگی به تعهد اصل است تا به این وسیله و طرف بتوانند حدود و قلمرو الزام خود را به شیوه دلخواه معین کنند و تغییرات لازم را در آثار عقد بدهند. یکی از مقتضیات تبعیت شرط از عقد این است که بطلان شرط در قرار داد سرائت نکند، زیرا عقد اصلی تابع شرط نیست. بلکه شرط است که از عقد اصل تبعیت می‌کند از دیگر جهات وابستگی شرط به عقد اصلی این است لزوم عقد اصلی از حجت به شرط نیز سرائت می‌کند در نتیجه هر گاه شرط مندرج ضمن عقد لازم خود مفاد

یادداشت حقوقی

قانون وپارک خودرو در معابر عمومی



احسان غفاری
کارشناس ارشد حقوق

در سالیان گذشته نبود پارکینگ طبقاتی به ویژه در شهرهای بزرگ به وضوح احساس نمی‌شد و از اهمیت زیادی برخوردار نبود، اما در عصر حاضر با توجه به افزایش جمعیت و به دنبال آن افزایش بی‌رویه وسایل نقلیه در کلانشهرها و حتی در شهرهای کوچک و همچنین نبود پارکینگ طبقاتی، دارندگان وسایل نقلیه (خودرو سواری) را بر آن داشته است که مجبور شوند برخلاف میل باطنی، خودروهای خود را در کوچه یا پس کوچه‌های شهر پارک کنند. اما باید برای پارک کردن در کوچه‌ها، رعایت یک سری قانون و قواعدی که مربوط به پارک خودروها در کوچه‌هایی که انتهای آن‌ها بن بست نیست ضروری به نظر می‌رسد. طبق قانون کوچه‌هایی که انتهای آن‌ها بن بست نیست در مالکیت هیچ شخصی نبوده و فضای کوچه به عموم مردم تعلق دارد. ماده ۲۴ قانون مدنی تکلیف این موضوع را مشخص کرده و بیان می‌کند: هیچ کس نمی‌تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آنها مسدود نیست (بن بست نیست) تملک نماید. پس طبق قانون کوچه‌ها را از جمله اموالی می‌توان قلمداد کرد که غیر قابل تملک اعلام شده‌اند و با رعایت برخی قوانین از قبیل عدم توقف در نقاطی که تابلو توقف ممنوع نصب شده یا زمانی که موجب سد معبر نشده باشیم می‌توانیم از منافع و فضای کوچه‌ها بهره‌مند و خودروی خود را پارک کنیم. اما تنها استثنائی که بر آن وارد است این که هرکسی با مالکیت، صاحب حق‌هایی می‌شود که برای بهره‌برداری از آن ملک در اموال دیگران وجود دارد. اگر چه طرق و شوارع جز مالکیت عمومی به شمار می‌روند اما املاک مسکونی یا تجاری‌ای که در این کوچه‌ها مستقر هستند نسبت به دیگران در حد و اندازه رفت و آمد یا تردد دارای حق ارتفاق می‌باشند چنانچه که قانونگذار در مواد ۹۳ تا ۱۰۸ قانون مدنی این حق را برای مالکین چنین املاکی به رسمیت شناخته و بیان می‌کند که پارک در جلوی درب پارکینگ‌ها و درب املاک مسکونی یا تجاری ممنوع است و هیچ شخصی حق پارک کردن در برابر درب ورود و خروج اشخاص یا وسایل نقلیه موتوری اعم از ماشین، موتور سیکلت، دوچرخه و... نخواهد داشت. از طرفی سنگ فرش کردن پیاده‌رو، کاشت درخت، گل یا بوته برای مالکین املاک مجاور هیچ حقی نسبت به آن و فضای مجاور در کوچه‌ها ایجاد نمی‌کند. اما گاهی اوقات در برخی از کوچه‌ها با اصطلاح پارک مساوی با پنچری مواجه می‌شویم که بیان چند نکات در این خصوص نیز گزافه‌گویی نخواهد بود. مالکین املاک مسکونی یا تجاری طبق مقررات قانونی حق نوشتن یا نصب تابلویی از جمله پارک مساوی با پنچری نخواهند داشت ابتدا به ساکن نوشتن یا نصب چنین تابلوهایی به نوعی تهدید و جرم محسوب می‌شود که قانونگذار در ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات اشعار می‌دارد تهدید به ایراد ضرر مالی تا ۷۴ ضربه شلاق یا دو ماه تا دو سال حبس دارد و در ماده ۶۷۷ ق.م.ا در میحث تعزیرات بیان می‌کند تخریب عمدی اموال دیگری دارای ۶ ماه تا ۳ سال حبس خواهد بود و در ماده ۶۰۸ همان قانون بیان داشته توهین نیز می‌تواند مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی به همراه داشته باشد. و از طرفی چنانچه شخصی خودرو خود را در جلوی درب پارکینگ یا درب ورود و خروج املاک مسکونی یا تجاری پارک نماید مالک چنین املاکی به هیچ وجه ممکن نمی‌تواند خودرو مورد نظر را پنچر کند و تنها راهکاری که می‌توان به این قبیل افراد توصیه کرد آن است که طبق ضوابط و مقررات از ضابطان قضایی (نیروی انتظامی) جهت رفع مزاحمت تقاضای کمک نمایند.

یادداشت حقوقی

چه افرادی می‌توانند درخواست اعسار دهند؟

کسی که در یک دادرسی حقوقی به پرداخت وجه نقد محکوم می‌شود در صورت ناتوانی از پرداخت یکجای محکوم به (مبلغی که به آن حکم شده) می‌تواند تقاضای اعسار یا تقسیط بنماید. منظور از اعسار، اثبات ناتوانی از پرداخت و منظور از تقسیط، قسطی کردن بدهی است. هر چند که این دو، مفاهیم متفاوتی بوده و مستندات قانونی مختلفی دارند، ولی در عمل به جای هم به کار برده شده و در نتیجه رویه ایجاد شده، چه موضوع درخواست اعسار باشد و چه تقسیط، حکم دادگاه بر مبنای تقسیط و قسطی کردن صادر می‌شود. در واقع آنچه از قوانین استنباط و استخراج می‌شود این است که قاضی ممکن است در مقابل ادعای ناتوانی از پرداخت بدهی به سه روش موضع گیری نموده و رای صادر کند: ۱- قسطی کردن بدهی ۲- دادن مهلت ۳- برائت موقتی ذمه تا حصول توانایی مالی برای پرداخت.

متداول ترین حالت قسطی کردن بدهی است.



دکتر امیر مهدی
صالحی مقدم
مدرس دانشگاه

یادداشت حقوقی

آیا می‌توان هنگام طلاق ملکی که به نام همسر شده را از او پس گرفت؟

یکی از مشکلاتی که در طلاق مطرح می‌شود، بحث پس گرفتن اموالی است که افراد قبلاً به نام همسر خود ثبت کرده‌اند. برخی از مواقع ممکن است اختلافات خانوادگی رخ دهد و مسئله طلاق پیشی بیاید و موضوع پس گرفتن ملک منتقل شده به همسر مطرح شود،



فاطمه منصوری نسب
دانشجو

ملک تشخیص صحت هر معامله زمان انجام آن است، یعنی اگر در زمان انجام معامله فرد اهلیت و صلاحیت قانونی و کافی برای انجام معامله را داشته باشد نمی‌توان به صحت معامله اشکال وارد کرد و بر اساس این قانون حتی اگر سال‌ها هم از تاریخ اعتبار معامله گذشته باشد، باز هم نمی‌توان صلاحیت قانونی آن را زیر سوال برد. بر همین اساس چنین امکانی برای شخص وجود ندارد و نمی‌تواند هنگام طلاق ملکی را که به نام همسر خود کرده است، پس گیرد و این ملک به نام همسرش باقی خواهد ماند. مگر در شرایط استثنا که قوانین خود را دربرمیگیرد.